

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

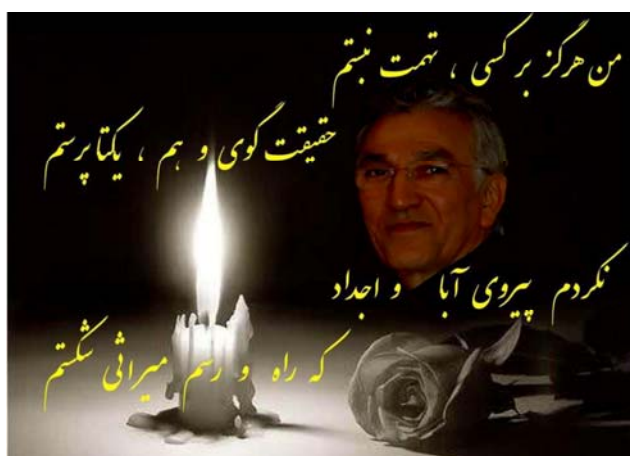
afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

۱۹ می ۲۰۱۸



از دوست به دوست

ای که می گفתי ام، از خانه خود قهر کدی حال خود قهر، ز کاشانه و از شهر کدی
رفتی اندر بر اغیار و کنار دگران جام و پیمانه و در ساغرِ ما، زهر کدی

ای که می گفתי ام، از خانه خود قار کدی بی سبب رفتی و در ساغرِ ما زار کدی
حیف و افسوس که خود، قهر ز کاشانه خود رفته مهمان خود در منزلِ اغیار کدی

ای که می گفתי ام، از خانه خود قار کدی لیک خود قهر ز پورتال، به یکبار کدی
یادِ ایامی که چون بلبل و گل، در مستی حال در دیده یارانِ قدیم خار کدی

چشم "نعمت" شب و روز است به راهت ای دوست !

زود برگرد، که گویم چه عجب کار کدی

دوست به دوست

لور که می گفتی وم، دز خانه خود قهر کدر

حال، خود قهر، زکاشانه و دز شهر کدر

رفتی و نذر بر و غیار و، کنار دگر لون

جام و پیمانه و در ساعت ما، زهر کدر

لږ دوست به دوست

لور که می گفتی وم، لږ خانه خود قار که سر

بی سبب رفتی و، د ساغما زور که سر

حیف و نفوس که خود قهر ز کاشانه خود

رفته مهمان خوده در مترل و غیار که سر

لږ دوست به دوست

لور که می گفتی لوم، لږ خانه خود قار که سر
لیک خود قهر ز پورتال به یکبار که سر
یاد لایمی که چون بلبس و گل، درستی
حال در دیده یار لږ قدیم خار که سر
چشم «نعمت» شب و روز است به رست لږ دوست
زود برگرد، که گویم چه عجب کار که سر